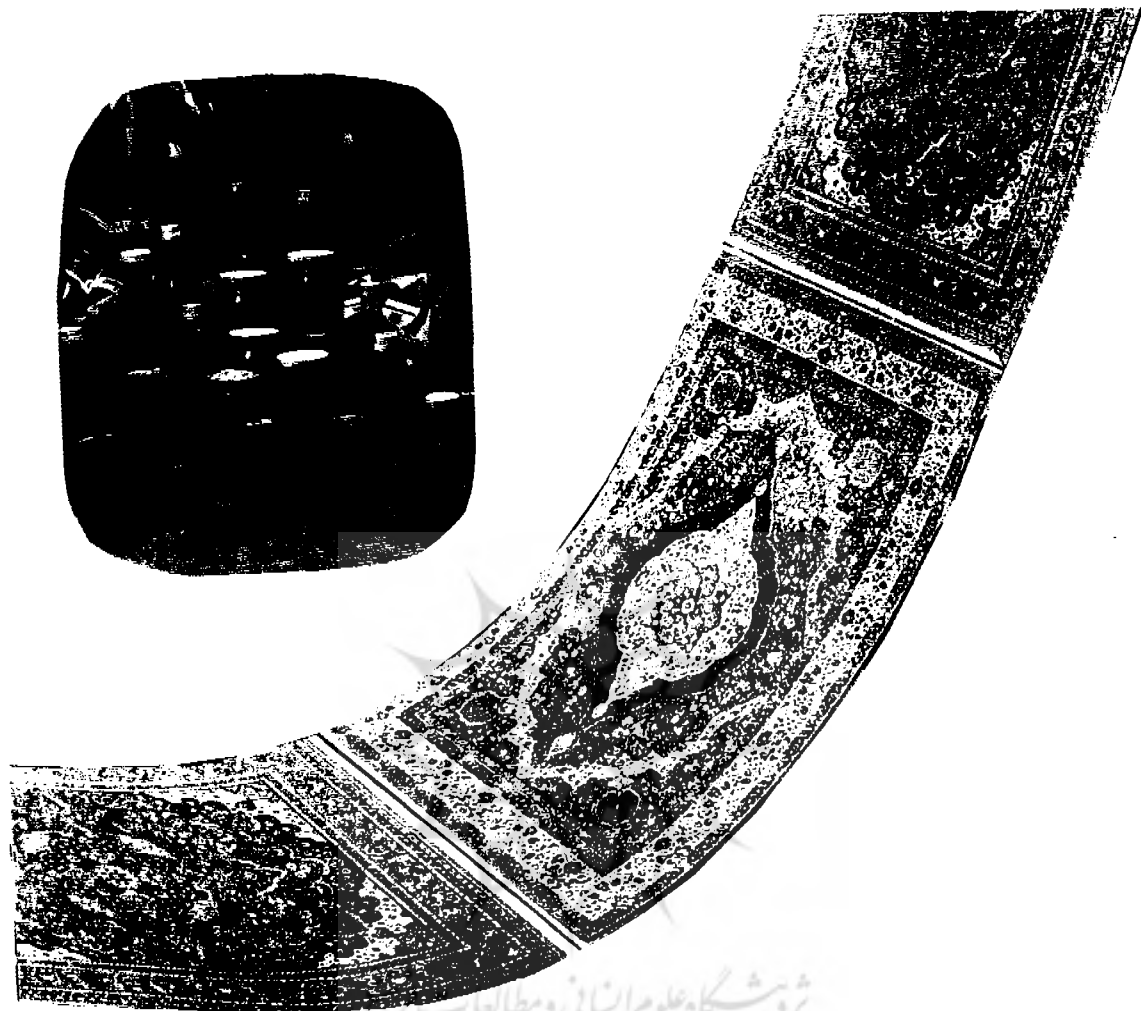


# توسعه اقتصادی در گرو رشد صادرات غیرنفتی



صادرات غیرنفتی آنچنان که هدف برنامه اول بود، بالا نرود. در برنامه اول، هدف رسیدن به ۱۷/۸ میلیارد دلار درآمد ارزی از صدور کالاهای غیرنفتی بود.

بزعم بسیاری از کارشناسان اقتصادی، رسیدن به درآمدی معادل ۲۷ میلیارد دلار در برنامه دوم، با استفاده از شیوه‌های سنتی و معمول ایران در عرضه و بازاریابی کالاها، امکان‌پذیر نیست، مگر آنکه تجدیدنظر اساسی به عمل آید و شیوه‌های عملی رایج در دنیا پذیرفته و اجرا شود. در دومین برنامه پنج‌ساله توسعه

دلار کلای غیرنفتی به بازارهای جهانی عرضه کند. قرار است در برنامه دوم این رقم به ۲۷ میلیارد دلار برسد.

رسیدن به این هدف، ابزار مناسب و تلاش برای ارتقاء کیفیت تولیدات تا سطح استاندارد بین‌المللی و فعالیت گسترده در زمینه بازاریابی، بسته‌بندی و ... طلب می‌کند.

هر چند که در سالهای اخیر بسیاری از تولیدات صنعتی به سطح استانداردهای بین‌المللی رسیده‌اند، اما ضعف در بازاریابی و عرضه مناسب کالاها، باعث شد که

دومین برنامه توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کشور از آغاز سال جاری به اجرا گذارده شده است. در این برنامه یکی از اهداف کلی، رشد صادرات غیرنفتی است. با وجود ۳۰ میلیارد دلار بدهی خارجی و تعهداتی که باید تا پایان برنامه دوم در حد قابل ملاحظه‌ای کاهش یابد، افزایش صادرات غیرنفتی یکی از راه‌های تداوم رشد اقتصادی و تأمین نیازهای ارزی شناخته شده است.

در نخستین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی ایران توانست حدود ۱۲ میلیارد

اقتصادی، دولت سعی دارد تا حد ممکن اعطای سوبسیدها و کمکهای مختلف و همچنین دخالت خود را در امور اقتصادی برای کاهش هزینه‌های ارزی، محدود سازد، لذا افزایش درآمدهای غیرنفتی جهت تأمین نیازهای متنوع بازار داخلی، یک ضرورت غیرقابل انکار است.

مجموع هزینه‌های ارزی کشور در برنامه دوم با کاهش پروژه‌های اقتصادی و تأکید بر اتمام پروژه‌های در حال اجرا، تا حدودی تقلیل خواهد یافت، با این حال حدود ۲۵ درصد از نیازهای ارزی باید از محل درآمدهای غیرنفتی تأمین شود.

اگرچه رشد صادرات غیرنفتی در سالهای اخیر آنچنان که جدول ذیل نشان می‌دهد قابل توجه می‌باشد، با این حال چندان قابل اطمینان نخواهد بود که درآمدهای موردنظر در برنامه دوم از این محل بدون انجام فعالیت‌های اقتصادی گسترده تحقق یابد و این باوری خوش‌بینانه است.

گمرک جمهوری اسلامی ایران درباره صادرات غیرنفتی ایران در سالهای اخیر در پاسخ به سؤال خبرنگار «بررسی‌های بازرگانی» گزارش داد: صادرات غیرنفتی در سالهای اجرای برنامه اول از نظر وزن و ارزش پیوسته، سیر صعودی داشته است. یادآوری می‌شود افزایش قابل توجه ارزش ریالی صادرات غیرنفتی در سال ۷۳ ناشی از تغییر نرخ ارز می‌باشد، ارز صادراتی در

نظام بانکی اکنون به بهای هر دلار ۳۰۰۰ ریال محاسبه می‌شود. در سال گذشته نرخ هر دلار ۱۷۵۰ ریال محاسبه می‌گردید.

اغلب کارشناسان و همچنین معاون اتاق بازرگانی و صنایع معادن ایران (حبیب‌الله عسگراولادی) ارزش صادرات غیرنفتی در سال گذشته را حداکثر ۴/۵ میلیارد دلار برآورد کرده‌اند که نسبت به سال ۱۳۷۲ بیش از ۱۰ درصد افزایش دارد. اما گزارش رسمی گمرک جمهوری اسلامی ایران، ارزش صادرات غیرنفتی سال ۷۳ را ۷۷۸۷/۴ میلیارد ریال معادل ۴ میلیارد و ۴۵۰ میلیون دلار اعلام کرده است که نسبت به سال ۷۲ از نظر وزن ۴۰ درصد و از نظر ارزش دلاری ۱۵ درصد افزایش داشت.

یک کارشناس ارشد وزارت بازرگانی به خبرنگار «بررسی‌های بازرگانی» گفت: در سال جاری ارزش صادرات غیرنفتی به ۵ میلیارد دلار بالغ می‌شود که نسبت به سال گذشته حدود ۱۰ درصد افزایش دارد.

وی که خواست نامش فاش نشود، درباره رسیدن به درآمد حاصل از صادرات غیرنفتی در برنامه دوم ابراز تردید کرد و افزود: رشد صادرات غیرنفتی تا حد موردنظر برنامه، نیاز به تجدیدنظر اساسی در سیاستهای بازرگانی خارجی و سیاست خارجی کشور دارد. با رشد مبادلات تجاری ایران با کشورهای رو به رشد جهان، هنوز بازار عمده بسیاری از کالاهای صادراتی و

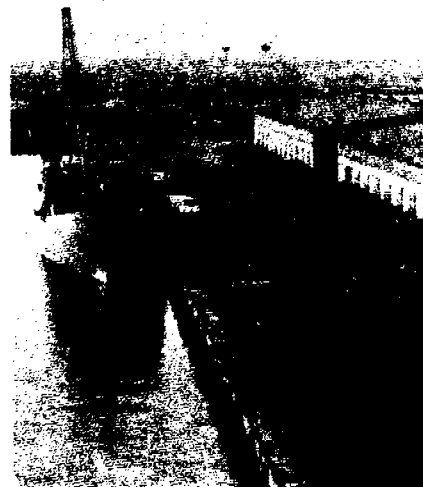
همچنین تأمین نیازهای وارداتی در غرب می‌باشد.

وی گفت: اگرچه مناسبات اقتصادی ایران با برخی کشورهای اروپایی و به‌ویژه آلمان و ایتالیا از استحکام خوبی برخوردار است، اما به این بازارها نمی‌توان برای صادرات غیرنفتی خیلی اتکا کرد.

وی گفت: آمریکا سیاست خصمانه‌ای در قبال ایران دارد و این روند در سال جاری با لغو قرارداد نفتی شرکت کونوکو با ایران برای توسعه میادین نفتی سیری شدت گرفت و سرانجام به اعمال تحریم اقتصادی علیه ایران انجامید. دولت آمریکا به شدت درصدد بود که دول اروپایی را به محدودیت مناسبات اقتصادی - سیاسی با ایران و پیروی از تحریم تجاری - سرمایه‌گذاری آمریکا علیه ایران بکشاند. هر چند که اروپایی‌ها به‌ویژه آلمان، ایتالیا و تا حدودی فرانسه بر این باورند که بازار ایران، بازاری بزرگ است و در مقابل فشارهای آمریکا، به‌ویژه در جریان برگزاری کنفرانس سران هفت کشور صنعتی در هالیفاکس کانادا، مقاومت کردند و طرح تحریم اقتصادی همه‌جانبه علیه ایران را که کلیتتون در پی آن بوده را عقیم گذاردند. با این حال هنوز نمی‌توان به این بازارها (اروپا) برای صادرات غیرنفتی کشور خیلی متکی بود.

زمان	وزن (میلیون تن)	ارزش (میلیارد ریال)
۱۳۷۳	۷/۵۲	۷۷۸۷/۴
۱۳۷۲	۵/۳۸	۶۷۶۳
۱۳۷۱	۳/۲۲	۱۹۵
۱۳۷۰	۲/۸۶	۱۷۸
۱۳۶۹	۱/۲۴	۸۷/۲۵
۱۳۶۸	۱/۲۶	۷۴/۷۲

منبع: مبنای ارزش‌گذاری تا آغاز سال ۷۲ دلار رسمی ۷۰ ریالی بوده است.



این کارشناس معتقد است که رشد صادرات غیرنفتی اساس توسعه و رشد اقتصادی پایدار ایران است. چنانچه بتوان به قدرت رقابت مناسب در بازارهای خارجی دست یافت، امکان دسترسی به میانگین رشد اقتصادی سالانه ۵ درصد در برنامه دوم و تحقق درآمد ارزی ۲۷ میلیارد دلاری از صادرات غیرنفتی، وجود دارد.

در مقابل نقطه نظرات این کارشناس، یک استاد دانشگاه علامه طباطبایی می‌گوید: کاهش ارزش ریال در مقابل ارزهای معتبر، یکی از عوامل مثبت در تقویت توان رقابت تولیدات ایرانی در بازارهای خارجی است. این کالاها اکنون از نظر قیمت در بازارهای خارجی و حتی کشورهای همسایه ایران، بسیار ارزان می‌باشند.

وی می‌گوید: دسترسی به شیوه‌های نوین بازاریابی، حضور مستمر در بازارهای خارجی، ارتقاء کیفیت کالاها، انجام خدمات بانکی به‌موقع و ... در رشد صادرات غیرنفتی مؤثر خواهد بود و حتی می‌تواند از میزان موردنظر برنامه نیز تا حدودی تجاوز کند.

وی گفت: چنانچه مناسبات اقتصادی - تجاری ایران در بعد خارجی از تنوع بیشتر برخوردار شود، می‌توان در بازارهای تازه، محصولات مختلف (کالاهای کشاورزی، صنعتی و معدنی) را عرضه کرد. بازار منطقه، آسیای میانه و قفقاز، کشورهای حاشیه خلیج فارس و ... بازارهای بالقوه مناسبی هستند که هنوز نیز صادرکنندگان ایرانی، جایگاه شایسته خود را در این بازارها به دست نیاورده‌اند.

وی به نقل از وزیر معادن و فلزات گفت: در یکساله منتهی به شهریور ۷۳، ارزش صادرات معادن و فلزات به حدود ۴۶۰ میلیون دلار رسید. این روند بسیار مناسبی برای صادرات غیرنفتی به‌ویژه در بخش معادن و فلزات می‌باشد، اگرچه این روند متناسب با اهداف برنامه اول و هماهنگ با آن نبوده است.

### شرایط کنونی و آینده صادرات غیرنفتی

بی‌ثباتی بازار ارز، عمده‌ترین مشکل برای ارزیابی کالاهای قابل صدور بود. روند سریع تغییرات ارزش دلار در مقابل ریال در آغاز سال جاری و بی‌ثباتی شدید بازار ارز تا جایی که ارزش دلار در مقابل ریال به بیش از ۷۰۰۰ ریال در دو ماه نخست سال جاری رسید، موجب گردید که بار دیگر دولت به سیاست دخالت در بازار روی آورد.

برخی صادرکنندگان تعیین ارزش ریال در مقابل دلار برای یک دوره یک‌ساله را عمل مثبتی تلقی می‌کنند. اما آنها نسبت به سپردن پیمان ارزی برای واگذاری ارز حاصل از صادرات غیرنفتی به سیستم

بانکی یا تخصیص آن به واردکنندگان به قیمت هر دلار معادل ۳۰۰۰ ریال اعتراض دارند. یک صادرکننده معتبر فرش می‌گوید: نرخ‌های ارزیابی صادرات به‌ویژه برای فرش با وجود ۳۰ درصد تخفیفی که اخیراً کمیسیون نرخ‌گذاری مرکز توسعه صادرات اعطا کرد، بالا می‌باشد. وی می‌گوید حداقل ۳۰ درصد دیگر باید از این نرخها در پیمان ارزی تخفیف قایل شد تا نرخها به نرخهای واقعی بازار برسد. وی گفت: اساس رشد صادرات غیرنفتی ایران، لغو محدودیت‌های تجاری به‌خصوص سپردن پیمان ارزی بود. با برقراری مجدد محدودیتها به‌ویژه پیمان ارزی، تصور نمی‌کنم رشد صادرات غیرنفتی با شتابی که در سالهای اخیر پیش می‌رفت، ادامه یابد.

از سوی دیگر دکتر صوفی استاد دانشگاه ویسکانسین اخیراً در کنفرانس ماهانه مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی در زمینه ارزش ریال در مقابل دلار و اثر آن بر صادرات غیرنفتی اظهار داشت: تعیین نرخ ارز برای صادرات در یک دوره یک ساله و ایجاد ثبات در بازار برای تجار و بازرگانان، به نفع اقتصاد کشور است. اما اگر من به جای دولت ایران بودم، نرخ ۳۰۰۰ ریال را تعیین نمی‌کردم بلکه بجای آن ارزش هر دلار را ۶۰۰۰ ریال معین می‌نمودم که به نرخ بازار آزاد نزدیکتر بود و به تدریج با رشد درآمدهای حاصل از صادرات غیرنفتی و بازگشت آن به کشور، این نرخ را پایین می‌آوردم و بازار ارز را تحت‌الشعاع قرار می‌دادم.

با این وصف، موقعیت کنونی برای صادرکنندگان چندان امیدوارکننده نیست.

با وجود سطح بالای قیمت‌ها در ایران و نرخ ۳۰۰۰ ریال برای هر دلار حاصل از صادرات غیرنفتی، برخی کالاها از لیست اقلام صادراتی خارج می‌شوند. هر چند که برای کالاهای صنعتی چنانچه بازاریابی مناسبی صورت بگیرد، وضعیت بهتری وجود دارد.

ارقام گمرک جمهوری اسلامی ایران درباره صادرات غیرنفتی در هشت‌ماهه نخست سال جاری، حاکی از کاهش ارزش صادرات و رکود آن است. برخی کارشناسان بر این باورند که این رکود در سال جاری همچنان ادامه می‌یابد، مگر آنکه دخالت دولت در بازار کالاها برای قیمت‌گذاری و مبارزه با تورم به‌طور جدی دنبال شود و سطح عمومی قیمت‌ها کاهش یابد.

در حال حاضر، هنوز بازار کالاها در رکود است. دولت نرخ‌گذاری بسیاری از اقلام صنعتی و اساسی را اعلام کرده است.

با این وجود نرخها در سطح بالایی قرار دارند. معاملات بازار برای کالاها راکد است و برخی فروشندگان که به لحاظ تعهدات بانکی، با مشکل مواجه هستند، کالاهای خود را با قیمتی پایین‌تر از نرخ‌های اعلام شده از سوی دولت نیز عرضه می‌کنند، اما در بازار خریدار قابل توجهی به چشم نمی‌خورد.

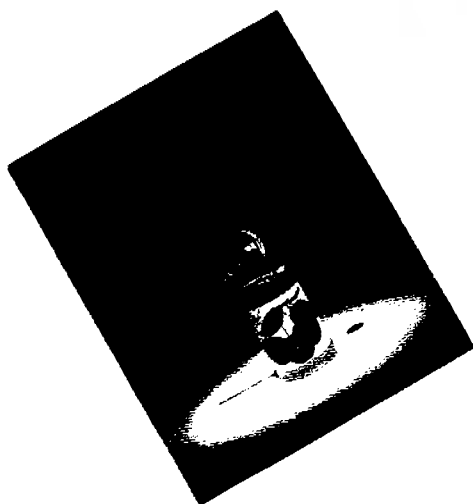
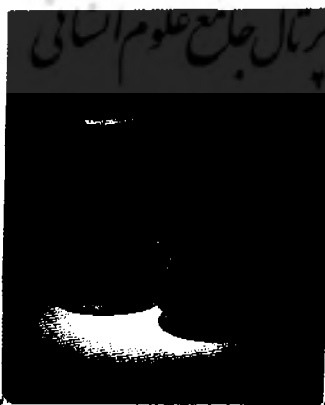
اگرچه آمارهای رسمی درباره میزان نقدینگی ریالی در دسترس نیست، اما واقعیات بازار نشان می‌دهد که برنامه‌های دولت برای واگذاری اوراق مشارکت از یک سو و نوسانات شدید بازار ارز در دو ماهه نخست سال جاری سبب شد که بسیاری از مردم نقدینگی ریالی خود را به ارز، طلا یا اوراق مشارکت تضمین‌شده بانکی تبدیل کنند و به همین دلیل در حال حاضر نقدینگی ریالی در دسترس مردم و بازار، بسیار محدود است.

با وجود قاچاق اعلام شدن معاملات

ارز، در حال حاضر به‌طور پنهانی هر دلار به نرخ بیش از ۴۲۰۰ ریال معامله می‌شود. در این نرخ فروشنده بسیار کم است. این واقعیات نشان می‌دهد که انتظار بازار برای نرخ ارز، بیشتر است، اما قیمت‌گذاری برای تولیدات صنعتی کارخانه‌ها، متناسب با انتظارات مردم نیست. این قیمت‌ها در سطوح بالاتر قرار دارند هر چند که فروشندگان نیز از عرضه کالاهای مصرفی با دوام اجتناب می‌کنند و برنامه مبارزه با قاچاق کالاهای وارداتی و احتکار نیز ادامه دارد.

به عقیده کارشناسان، این موقعیت از سیاست ارزی جدید دولت ناشی شده است. پیامدهای کوتاه‌مدت این سیاست که به صورت رکود معاملات ظاهر شده است، نمی‌تواند خیلی دوام آورد و روند بازار تغییر خواهد کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی





رسید در حالی که در سال ۷۲ این سهم ۳۹/۵ درصد بود. با بالا رفتن سهم صادرات صنعت در صادرات غیرنفتی از ۲۶ به ۲۷/۵ درصد در سال گذشته، سهم کالاهای کشاورزی رو به کاهش گذارد و از ۲۵ به ۲۳ درصد تخفیف یافت. سهم کالاهای معدنی در همین هنگام از ۵/۰ درصد به ۱/۵ درصد افزایش یافت. به این ترتیب سهم کالاهای صنعتی، کشاورزی، فرش و صنایع دستی، معدنی و سایر کالاها در ارزش صادرات غیرنفتی کشور در سال ۷۳ به ترتیب ۲۷/۵، ۲۳، ۴۰، ۱/۵ و ۸ درصد اعلام شد در حالی که در سال ۷۲ این سهم‌ها به همان ترتیب ۲۶، ۲۵، ۳۹/۵، ۵/۰ و ۹ درصد بود.

گمرک جمهوری اسلامی ایران در گزارش دیگری اعلام کرد: در سال ۱۳۷۲ ارزش کل صادرات غیرنفتی به ۳ میلیارد و ۷۴۶/۸ میلیون دلار بالغ شد که از این رقم حدود ۲/۷ میلیارد دلار کالاهای مصرفی، حدود ۳۰/۷ میلیون دلار را کالاهای سرمایه‌ای، حدود ۸۷۶/۹ میلیون دلار را کالاهای واسطه‌ای و بیش از ۱۴۱/۶ میلیون دلار را دیگر کالاها تشکیل داد.

به فروش می‌روند، در حالی که کالاهایی که برای تولید کمتر نیازمند واردات هستند، زیر قیمت کارخانه‌ای تعیین شده نیز قابل فروش و عرضه هستند.

نگاهی به گزارش گمرک جمهوری اسلامی ایران در زمینه صادرات غیرنفتی در سال گذشته نشان می‌دهد در سال ۷۳ بالاترین رشد ارزشی صادرات مربوط به مواد معدنی بوده است. در ضمن صدور بیش از ۴/۴ میلیون تن کالای صنعتی به ارزش ۲۰۴۲ میلیارد ریال (یک میلیارد و ۱۶۷ میلیون دلار) سبب شد که سهم کالاهای صنعتی در صادرات غیرنفتی از ۲۶ درصد در سال ۷۲ به ۲۷/۵ درصد در سال ۷۳ افزایش یابد. رشد صادرات محصولات کشاورزی نیز در سال ۷۳ به میزان ۸ درصد ثبت شد، در حالی که فرش و صنایع دستی، علیرغم مشکلات و موانع متعددی که از لحاظ رقابت در بازارهای بین‌المللی داشتند، با رشد ۱۶ درصد (از نظر ارزش) موقعیت مساعدتری نسبت به صادرات کالاهای سنتی کشاورزی داشتند. در سال ۷۳، سهم فرش و صنایع دستی در صادرات غیرنفتی به ۴۰ درصد

اما این روند با تحولات جدید در بازار طلا و ارز شروع و در بازار کالاها ادامه می‌یابد و در این شرایط، موقعیت کنونی سیاست ارزی به خطر خواهد افتاد. آنها می‌گویند، دخالت اخیر دولت در بازار کالاها و ارز، باعث شده که دولت سیاست آزادسازی اقتصادی را رها کند، زیرا باز هم مجبور خواهد شد که در بازار دخالت کند و با ادامه این روند نمی‌توان انتظار داشت که موقعیت مناسبی برای رشد صادرات غیرنفتی به وجود آید. مگر آنکه سیاست تثبیت اقتصادی در تولید اثر مثبت بگذارد و نظام بانکی در تخصیص منابع ارزی به واحدهای دولتی، خست نشان ندهد، بلکه دست‌ودل‌بازی کند.

یک کارشناس اقتصادی می‌گوید: روند گشایش اعتبارات ارزی برای واحدهای تولیدی جهت واردات تجهیزات، قطعات و مواد خام موردنیاز به تازگی آغاز شده است، اما نتیجه این امر در بازار کالاها و تولید حداقل سه ماه دیگر منعکس خواهد شد و به همین دلیل تقریباً نیمی از کالاهای بادوام در بازار کمیاب و با قیمت‌های بسیار بالاتر از نرخ تعیین شده از سوی دولت،

سهم کالاهای مصرفی در صادرات غیرنفتی (از نظر ارزش) حدود ۷۲ درصد، کالاهای سرمایه‌ای کمتر از یک درصد (۸۱/۰ درصد)، کالاهای واسطه‌ای ۲۳/۴ درصد و دیگر کالاها ۳/۸ درصد بود. با این نسبتها، سهم کالاهای مصرفی، بخش قابل توجهی از صادرات غیرنفتی است و هنوز توان رقابت در عرضه و بازاریابی محصولات سرمایه‌ای و واسطه‌ای چندان قابل توجه نیست، هر چند که جمهوری اسلامی در بخش کالاهای واسطه‌ای از امکانات و استعدادهای مناسبی برخوردار است.

سهم کالاهای مصرفی در ارزش صادرات غیرنفتی کشور در سال ۱۳۷۱، ۷۵/۵ درصد بود در حالی که کالاهای واسطه‌ای سهمی برابر با ۲۱ درصد و کالاهای سرمایه‌ای بیش از ۲ درصد بودند. با وجود آنکه ارزش صادرات غیرنفتی در سال ۷۱ بیش از ۲/۷ میلیارد دلار گزارش شد، و این رقم در سال ۷۲ به بیش از ۳/۸ میلیارد دلار رسید، سهم کالاهای مصرفی در صادرات غیرنفتی کاهش و در مقابل سهم کالاهای واسطه‌ای در سال ۷۲

نسبت به سال ۷۱ افزایش یافته است. این امر نشان‌دهنده یک روند مثبت در تجارت خارجی و عرضه محصولات غیرنفتی است.

یک کارشناس اقتصادی معتقد است جمهوری اسلامی ایران و بخصوص صادرکنندگان کالا نتوانستند از حاصل برنامه اول در زمینه مقررات و قوانین و تسهیلات مختلفی که در بخشهای زیربنایی اقتصاد کشور بوجود آمد، بهره کافی برای رونق صادرات غیرنفتی بگیرند. وی می‌افزاید: ایجاد مناطق آزاد تجاری - صنعتی و منطقه ویژه حراست‌شده گمرکی در بسیاری از کشورهای جهان، سکوی پرتاب صادرات می‌باشند. جمهوری اسلامی نتوانسته از این بخشها برای صادرات استفاده کند و این مراکز به مراکز واردات کشور بدل شده‌اند.

وی می‌گوید مناطق آزاد ایران، امکانات خوبی برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی جهت تولید و تجارت خارجی کالاها دارند که این امکانات هنوز به بهره‌برداری کامل

نرسیده‌اند.

وی گفت: برخی از صادرکنندگان در مناطق آزاد، نمایشگاه برگزار کرده‌اند و برخی تجار خارجی از آن دیدن کرده‌اند. متأسفانه آنها کالاهای عرضه‌شده خود را به قیمت بسیار بالایی عرضه کردند و عملاً نتوانستند از امکانات موجود برای فروش کالا بهره ببرند.

وی افزود: در مقایسه قیمتها در یکی از نمایشگاه‌ها دریافته است که بهای عرضه شده کالاها در آنجا با تبدیل نرخ روز دلار، بالاتر از آنچه بوده که در تهران عرضه می‌شدند و این مسأله از دید خارجی‌ها نیز پنهان نماند.

وی کسه کارشناس بازاریابی و سفارشات خارجی یک مؤسسه تجاری نیز بود، گفت: علت آنچه چرا کالاها (اکثریت آنها) به بهای بالاتر عرضه شدند، این بود که شرکت‌کنندگان تصور می‌کردند با گرانفروشی می‌توانند از این نمایشگاه بهره بگیرند، در حالیکه حتی بازدیدکنندگان کالا به قیمت آن در بازار داخلی ایران و همچنین در بازارهای خودشان (با تبدیل نرخ ارز) کاملاً واقف بودند. □

